

تبیین نارسایی‌های کارکردی - فضایی مناطق آزاد با تأکید بر حوزه‌ی تجارت و بازرگانی (مورد مطالعه: منطقه‌ی آزاد تجاری - صنعتی ارس)

رحمان جهانی دولت‌آباد^۱، اسماعیل جهانی دولت‌آباد^{۲*}

۱- دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۲- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

دریافت: ۹۷/۱۱/۱۸ پذیرش: ۹۸/۶/۳

چکیده

مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده کم‌وبیش به نارسایی‌های کارکردی مناطق آزاد در کشور ایران اشاره کرده‌اند. از نگاه این مطالعه، ریشه‌ی نارسایی‌های کارکردی در منطقه‌ی آزاد، در الگوهای فضایی فعالیت‌های اقتصادی آن پنهان است. این مقاله در نظر دارد نارسایی‌های کارکردی - فضایی و منطق شکل‌گیری آن در حوزه‌ی تجارت و بازرگانی منطقه‌ی آزاد ارس را با رویکردی انتقادی و با تأکید بر ابعاد و زوایای پنهان آن، کشف و بررسی کند. گردآوری داده‌ها براساس روش کیفی و با استفاده از تکنیک مصاحبه انجام شده است. از روش تحلیل محتوای جهت‌دار برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و از روش گلوله‌برفی برای انتخاب نمونه‌ها استفاده شد. میزان حجم نمونه نیز براساس روش اشباع نظری تعیین شد.

نتایج مقاله نشان می‌دهد که کارکرد و فضاهای حوزه‌ی تجارت و بازرگانی در منطقه‌ی آزاد ارس با نارسایی‌های عمده‌ای همچون ضعف مدیریتی، اقتصاد ناسالم، عدم برون‌گرایی و اقتصاد ناپایدار عجین شده است. شکل‌گیری فضای ناسالم اقتصادی، همچون قاچاق کالا، خرید و فروش پروانه و ... در این حوزه توأم با تغییرات پی‌درپی مدیریتی و تشدید سیستم بوروکراتیک، همگی نشان‌دهنده‌ی استفاده‌ی ابرازی از فضاهای این حوزه و ناپایداری اقتصاد منطقه به‌واسطه‌ی عملکردهای فضایی آن هستند. از این منظر و با روند موجود، به‌جای اینکه منطقه‌ی آزاد روزه‌ای برای خروج کشور از اقتصاد وابسته و ضعیف باشد، برعکس محلی برای یادگیری و تمرین خصیصه‌های چنین اقتصادی است.



واژگان کلیدی: نارسایی‌های کارکردی، فضا، اقتصاد سیاسی رادیکال، منطقه‌ی آزاد ارس.

۱- مقدمه

یکی از مهم‌ترین پیامدهای اعتبار یافتن روشنفکرانه و تئوریک تجارت آزاد، توجه به سیاست راه‌اندازی و شکل دادن مناطق آزاد است (Skinner, 2009: 157). مناطق آزاد اقتصادی با هدف توسعه‌ی اقتصادی، جذب سرمایه‌ی خارجی، صادرات، خدمات برای صادرات و ارتقای صنعت فعالیت می‌کنند و معمولاً مشمول قوانین اقتصاد لیبرالی و آزاد هستند، نه قوانین اقتصاد معمولی (Thakur, 2008; Shah, 2013; Kong, 2013; Yeung & et-al, 2010). امروزه، در کشورهای جهان سوم، تشکیل مناطق آزاد تجاری بسیار اعتبار یافته است؛ زیرا این امکان را فراهم می‌کند که بدون رها کردن تمامی مکانیزم‌های کنترل اقتصادی که به دلایل سیاسی غیرممکن است، به صورت بخشی و منطقه‌ای به فرآیند جهانی شدن اقتصاد بپیوندند و از مزایای تجارت آزاد بهره‌برد (بهمنی، ۱۳۹۱: ۳). با این حال، تجربه نشان می‌دهد که بسته به شرایط نظام اقتصادی-سیاسی کشورها و ظرفیت‌های مکانی فضایی مناطق آزاد، نقش‌های مختلفی با اهداف مختلف برای آن‌ها حتی در داخل یک کشور تعریف می‌شود (Guang-wen, 2005: 105). مسئله این است که در کشورهای درحال توسعه‌ی مثل ایران، روی هم رفته مناطق آزاد بنابر دلایل مختلف، کمتر کارکرد مثبتی در راستای اهداف و نقش‌های تعیین شده برای آن‌ها داشته‌اند. نتایج بررسی‌های انجام شده در مورد متغیرهای کلیدی مرتبط با نقش این مناطق، همچون میزان جذب سرمایه‌گذاری خارجی؛ درجه‌ی صنعتی شدن؛ ایفای نقش صادراتی و نسبت صادرات به واردات از زمان شروع فعالیت آن‌ها، تأییدی بر این گفتار است (تقی‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۴، ۲۱). حال سؤال این است که چرا مناطق آزاد با وجود داشتن پتانسیل‌های مختلف، در دستیابی به اهداف خود موفقیت چندانی ندارند. در پاسخ به این سؤال باید مطرح شود که تحولات نظری علم در تبیین پدیده‌های اجتماعی اقتصادی با یک تغییر پارادایمی (به تعبیر توماس کوهن^۱) همراه بوده است. دوره‌ای که تصور سازکار خودتعدادل‌بخش^۲ و رشد اقتصادی در زمان و مکانی مطلق تحت سرمشق^۳ نیوتنی، جای خود را به تعادلی آگاهانه^۴ یا «برنامه‌ریخته» و رشد نیروهای مولده‌ی برآمده از آن با اثبات نظری و عملی نظریه‌های نسبیت، کوانتوم، عدم قطعیت و ... داده است. در سرمشق جدید، دیگر زمان و مکان ظروف ازلی و ابدی پدیده-

1. Thomas Samuel Kuhn
2. Self Equilibrating
3. Paradigm
4. consciously

های فیزیکی نیستند؛ بلکه پدیده‌ها خود زمان و مکان را می‌سازند (اطهاری، ۱۳۸۵: ۱۴۹). دیدگاه‌های شکل‌گرفته در این راستا مدعی هستند که واقعیت‌ها را نمی‌توان جدای از ارزش‌ها دانست. رویکرد انتقادی^۱ یکی از مستحکم‌ترین رویکردها در همین زمینه محسوب می‌شود (ایمانی شاملو و رفیعیان، ۱۳۹۵: ۲۸۸).

هرچند شکل‌گیری مناطق آزاد به‌طور عام و منطقه‌ی آزاد ارس به‌طور خاص در تئوری‌های کلاسیک و نئوکلاسیک ریشه دارد و مشخصاً تئوری تجارت آزاد آدام اسمیت در پایه‌گذاری آن نقش قاطع ایفا می‌کند، غافل شدن از اصول حاکم بر ساختار، کارکرد و تکوین فضایی آن، به‌نوعی افتادن در همان ورطه‌ی مطلق‌گرایی در قالب بیشینه‌سازی سود و مطلوبیت افراد است. از نگاه این مطالعه، ریشه‌ی نارسایی‌های کارکردی یا موانع توسعه در منطقه‌ی آزاد، در الگوهای فضایی فعالیت‌های اقتصادی آن پنهان است که از یک سو دولت، طبقات و گروه‌های اجتماعی و سیاسی و از سوی دیگر انواع شیوه‌های مربوط به روابط اقتصادی، بر آن را بسیار تأثیر می‌گذارند.

یکی از حوزه‌های فعالیتی که بر مبنای قوانین و معافیت‌های مختلف مناطق آزاد در کشور ایران رونق قابل‌توجهی دارد و محوری اساسی در بین سایر حوزه‌های فعالیتی در دستیابی به اهداف آن محسوب می‌شود، حوزه‌ی تجارت و بازرگانی است که در منطقه‌ی آزاد ارس نیز از وسعت فعالیتی قابل‌توجه برخوردار است. بر همین اساس، کشف الگوهای فضایی فعالیت‌های تجاری و بازرگانی با تأثیرپذیری از عوامل گفته‌شده، در شناسایی عوامل موفق نبودن یا عوامل انسداد توسعه در مفهوم خاص مناطق آزاد نقش عمده‌ای دارد. مهم‌ترین دیدگاهی که با توجه به ماهیت فعالیتی منطقه، عوامل مؤثر در شکل‌گیری و شیوه‌ی انجام فعالیت‌های اقتصادی در منطقه‌ی آزاد ارس می‌تواند هدایتگر باشد، دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا است. در این مقاله، در نظر داریم نارسایی‌های کارکردی- فضایی و منطق‌شکل‌گیری آن در فضاهای تجاری منطقه‌ی آزاد ارس را کشف کنیم تا کاربست مناسبی برای تحقق اهداف برای منطقه ارائه نماییم. پیش‌فرض مقاله بر این ایده‌ی اصلی استوار است که با تحلیل جریان سرمایه در الگودهی به فضای مناطق آزاد، ریشه‌ی عمده‌ی نارسایی‌های کارکردی- فضایی آن‌ها نیز مشخص می‌شود.

۲- ادبیات نظری

از مناطق آزاد ایران به‌عنوان یک اقتصاد لیبرالیستی «در کشوری با یک نظام اقتصادی شبه- سوسیالیستی» (رنانی، ۱۳۸۴) با هدف توسعه‌ی اقتصادی و همگام شدن با دنیا می‌توان یاد

1. Critical Approach



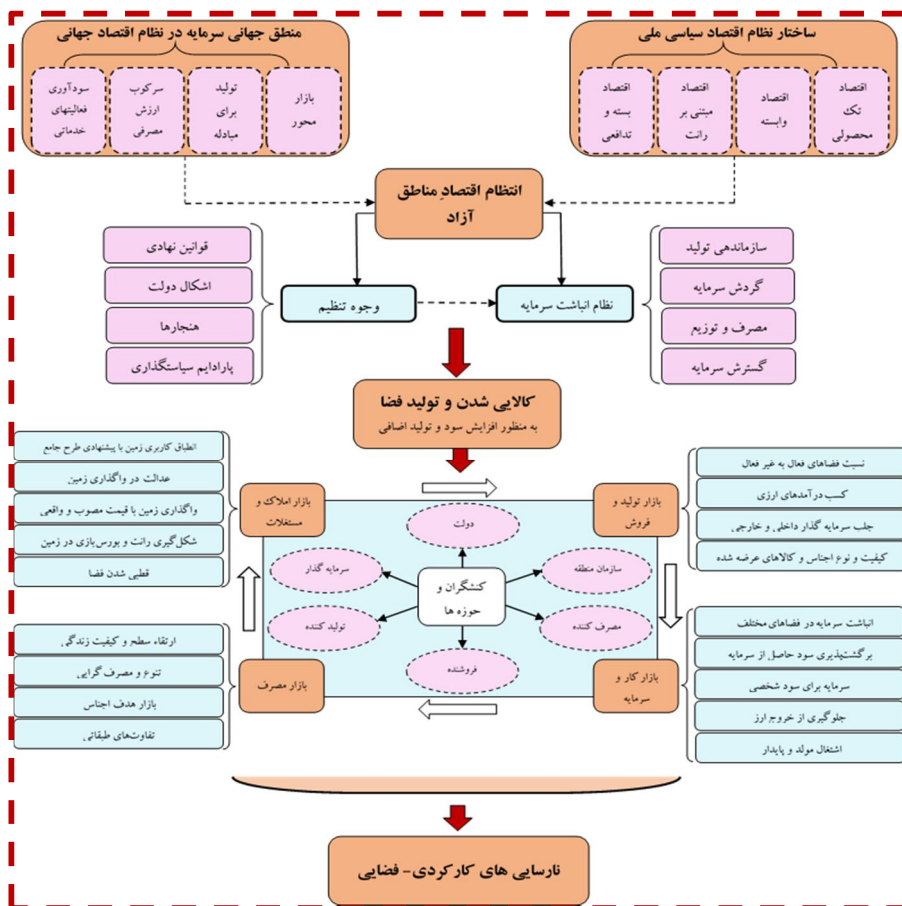
کرد. «باتوجه به انتقاد دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا به نقش بازار و نظام سرمایه در الگودهی به فضا و دلالت‌های فضایی مباحث گسترده در این خصوص» (Clark, 2010: 69-71; McLean,) (2002: 625)، از این دیدگاه به‌عنوان نظریه‌ی بنیادین و به‌اصطلاح «زبانی مشترک و توانمند برای تحلیل تلفیقی فرآیندهای اجتماعی- سیاسی با فرم‌های فضایی» یاد می‌شود (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۱۰). تحولات نظری برای تبیین پدیده‌های اجتماعی اقتصادی، همچون منطقه‌ی آزاد، در راستای رویکرد حاکم بر مقاله برپایه‌ی بنیان‌های نظری کل‌گرایی، اقتصاد سیاسی و اقتصاد سیاسی فضا است. در انگاره‌ی کل‌گرایی، ارگانیسم یا موجود زنده «کلی یکپارچه» است که خاصیت اجزای آن در تمامیت و کلیت آن نهفته است (گلایبی، ۱۳۶۹: ۱۴). نظریه‌ی کوانتوم (اطهاری، ۱۳۷۰: ۹۴)، دیالکتیک (پلامانتر، ۱۳۷۱: ۸-۹)، ساختارگرایی (شکوئی، ۱۳۸۴: ۱۲۳)، کارکردگرایی (Timashef, 1967: 239) و درنهایت، تفکر سیستمی به‌عنوان نقطه‌ی اجتماع و سرآمد نظریه‌های پارادایم کل‌گرایی در همین چارچوب، پدیده‌های اجتماعی اقتصادی در شهرها و نقاط سکونتگاهی دیگر را تبیین می‌کنند.

از طرفی، مناطق آزاد در ایران به‌عنوان یک پدیده‌ی اقتصادی سیاسی با محوریت دولت (نماد سیاست) و بازار (نماد اقتصاد) مطرح است که در آن، بر «اثرات سیاست اقتصادی دولت تأکید می‌شود» (Groenewegen, 2008: 904). در این چارچوب، اقتصاد کلاسیک با دکتترین لسه‌فر یا دست‌های نامرئی بازار (Pearce, 1986: 63-64) و نئوکلاسیک‌ها براساس عقلانیت و مطلوبیت فردی در یک نظام بازار رقابتی و خودتنظیمگر (کوز، ۱۳۸۵: ۸-۷)، خواستار مداخله‌ی کمتر دولت در بازار هستند. به‌نظر مارکسیست‌ها (پره‌ئو براژنسکی، ۱۹۲۴) و بعدها ساختارگرایان (پربیش، ۱۹۷۱)، گسترش بازار باید محدود باشد و وظیفه‌ی دولت است که جانشین بازار شود؛ هرچند معمولاً در هدایت انباشت سرمایه ناتوان است (پربیش، ۱۹۵۰ و ۱۹۷۱). نظریه‌هایی مانند نهادگرایی و انتظام به‌عنوان حد میانه بین مدافعان نظام بازار و مدافعان مداخله‌ی دولت (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۵)، وابستگی‌های متقابل آثار خارجی و حالات تکمیلی در چارچوب خصلت سیستمی و تکاملی توسعه را در نظر می‌گیرند (فرجی دانا، ۱۳۸۴). نهادگرایان به التزامات و ترتیبات نهادی (نورث، ۱۳۸۵: ۹۵) و همچنین سازکارهای نهادی بر فرآیند مبادله معتقد هستند (کوز، ۱۳۸۵: ۹). مکتب انتظام نیز قائل به این است که کنشگران اقتصادی برپایه‌ی مجموعه‌ای از نهادها، قواعد بازی و قراردادها، با هم تعامل دارند. این عمل با دگرگونی نهادها و شیوه‌های عینی ساماندهی جامعه در پی بحران‌ها و کشمکش‌های اجتماعی صورت می‌گیرد و به زنجیره‌ای از «الگوهای توسعه» در نظام سرمایه‌داری منجر

می شود (اطهاری، ۱۳۸۵). این به «نظریه‌ی بازی‌ها»^۱ ای جیمز والدگراو^۲ بی‌شابهت نیست که در آن، تصمیم‌گیرندگان و کنشگران با اولویت‌ها و ترجیحات متضاد، در قالب بازی‌ها مشغول فعالیت هستند و برآیند تصمیمات آن‌ها توسط یک بازیگر تعیین نمی‌شود (علیان و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۴).

در مورد اقتصاد سیاسی فضا، ابتدا باید بر مفهوم فلسفی و نظری فضا تأکید کنیم. فضای جغرافیایی، فضایی اجتماعی است و صورت‌ها و ساخت‌های آن، آفریده‌ی کنش انسانی هستند (پورا احمد، ۱۳۸۶: ۷۷). فضا بعدِ برجسته‌ی نظام سرمایه‌داری محسوب می‌شود (Urry, 1985: 21). فضا، تجلی روابط اقتصادی- اجتماعی و به‌نوبه‌ی خود، زمینه‌ساز موجودیت آن‌ها است (اطهاری، ۱۳۸۹: ۵۷). ارائه‌ی فهمی رضایت‌بخش از روابط و فرآیندهای اجتماعی، درگرو توجه به فضا است (Dickens, 1992: 2). در میان آرای فلسفی‌اندیشی فضایی، سه رویکرد موضع «مطلق»، «نسبی» و «معرفت‌شناختی» در مورد فضا وجود دارد (رفیعیان و حسین‌پور، ۱۳۹۰). تغییر مفهومی فضا از موضع مطلق به سمت موضع نسبی و معرفت‌شناختی از دهه‌ی ۱۹۶۰، نشان‌دهنده‌ی اهمیت یافتن بعد اجتماعی فضا است (ایمانی شاملو و رفیعیان، ۱۳۹۵: ۲۹۱-۲۹۲). در همین راستا، ضرورت پی بردن به ساختارهای پنهان پدیده‌های جغرافیایی، زمینه‌ساز شکل‌گیری دیدگاه‌هایی مانند اقتصاد سیاسی فضا شده است. این دیدگاه فضا را در محدوده‌ی ملی و بین‌المللی، پدیده‌ای می‌داند که تولید می‌شود، سپس می‌کوشد تا مکانیسم‌های حاکم بر تولید فضا را کشف کند. هدف اقتصاد سیاسی فضا، کشف الگوهای فضایی فرآیند تولید، توزیع، مصرف و نقش دولت و گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شکل‌بخشی به این الگوها است (حاتمی-نژاد و عبدی، ۱۳۸۶: ۱۹۹-۲۰۰). با اینکه دیوید هاروی بیشترین اهمیت را به فضای فیزیکی شهر می‌دهد، دیدگاه او با تلاش برای درک مفهوم عمیق فضا به حوزه‌ی اجتماعی سوق یافت (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۱۹). از نظر هاروی، فرمی که فضا به خود می‌گیرد، علاوه بر اینکه شیوه‌ی تولید را معرفی می‌کند، محصول روابط اجتماعی و کنش‌های تاریخی است که در آن حک و درونی شده است (منوچهری، ۱۳۹۵). فرآیندهای اجتماعی هم حاصل کنش عاملان متعددی است که در مقیاس‌های متفاوت و میان مقیاس‌های متفاوت عمل می‌کند (رحیمی، ۱۳۹۳: ۶۸). بنای اصلی چارچوب تحلیلی این مقاله، بر تلفیقی از نظریه‌های «انتظام» و «دیدگاه دیوید هاروی در خصوص تولید فضا»، البته در قالب رویکرد ساختارگرایی مبتنی بر تفکرات سیستمی استوار می‌شود (شکل ۱).

1. Game Theory
2. James waldegrave

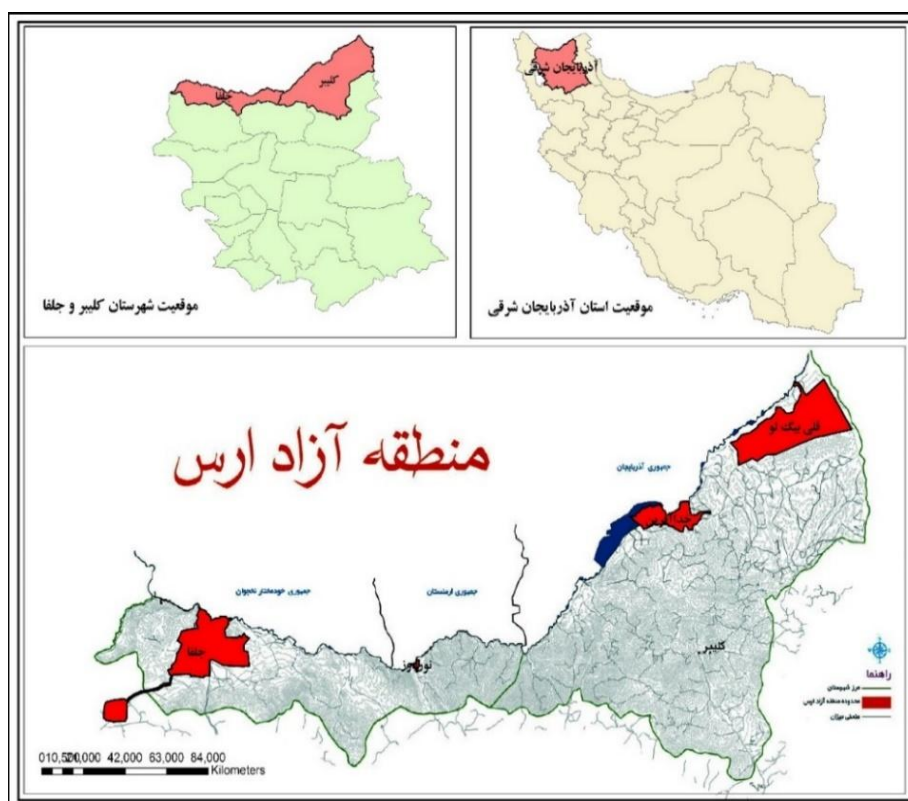


شکل ۱: چارچوب تحلیلی

۱-۲- معرفی مناطق آزاد و منطقه‌ی آزاد ارس

منطقه‌ی آزاد تجاری، محدوده‌ی معینی از قلمرو یک کشور است که خارج از محدوده‌ی قانونی، اداری و فیزیکی تأسیسات گمرکی و معمولاً در محدوده‌ی یک بندر قرار دارد و در آن، تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته می‌شود (کریمی‌کیا و مقدم، ۱۳۹۱: ۸). این مناطق با بهره‌گیری از تسهیلات و مشوق‌هایی نظیر حذف تعرفه‌های گمرکی و سود بازرگانی، حذف مالیات برای تولیدکنندگان، حذف تشریفات زاید ارزی، رفع محدودیت‌های صادراتی و ایجاد تسهیلات در ورود و خروج اتباع خارجی، با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و جذب فناوری مدرن به توسعه‌ی سرزمین اصلی کمک می‌کنند (گوگردچیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳). منطقه‌ی آزاد

ارس در محدوده‌ای به وسعت حدود ۵۱ هزار هکتار، بخش‌هایی از شهرستان‌های جلفا و کلیبر را در مرزهای ایران با کشورهای آذربایجان، ارمنستان و نخجوان دربرمی‌گیرد. براساس مصوبه‌ی هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۸۴/۴/۷ به شماره‌ی ۲۰۷۰۸/ت/۵۳۰۸۲۰، محدوده‌ی منطقه‌ی آزاد ارس شامل ۹ هزار و ۷۰۰ هکتار از اراضی منطقه می‌شد که براساس مصوبه‌ی جدید این هیئت محترم در ۱۳۸۷/۹/۱۴، محدوده‌ی این منطقه به ۵۱ هزار هکتار، شامل بخش‌هایی از دو شهرستان جلفا و کلیبر، افزایش یافت و در مجموع، در چهار محدوده‌ی منفصل از هم قرار گرفت. فعالیت‌های اصلی منطقه‌ی آزاد ارس که فضاهای آن را اشغال کرده و در راستای اهداف متعالی آن ایجاد شده‌اند، عبارت از فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی، تجارت خرد، گردشگری، علم و فناوری و ... است. کانون اصلی این فعالیت‌ها محدوده‌ی جلفا است که مساحت آن از ۹ هزار و ۷۰۰ هکتار اولیه به ۲۰ هزار و ۵۰۰ هکتار افزایش یافت (شکل ۲).



شکل ۲: موقعیت منطقه‌ی آزاد ارس



۲-۲- روش تحقیق

این پژوهش از نوع تبیینی است و از لحاظ ماهیت نیز در دسته‌ی تحقیقات بنیادی- کاربردی قرار می‌گیرد. مکانیزم‌ها و منطق حاکم بر محتوای اجتماعی فضاها را با اتکا به روش‌های کیفی و به‌طور مشخص، انجام مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساخت‌یافته با ذی‌نفعان مشخص کردیم. از فضاهای تجاری و بازرگانی در این تحقیق نیز بیشتر فضاهایی را در نظر گرفتیم که اولاً مقیاسی را در سطح زمین به خود اختصاص داده‌اند، ثانیاً با معافیت‌ها و امتیازات منطقه ارتباط تنگاتنگی دارند و ثالثاً فضاهای شاخصی در ارتباط با تحقق اهداف منطقه‌ی آزاد محسوب می‌شوند. بازارچه‌های تجاری، مجتمع‌های تجاری خرید، شرکت‌های واردکننده و فروشنده‌ی خودروهای لوکس و خارجی و نیز دفاتر از جمله‌ی این فضاها هستند. در این مطالعه، از روش تحلیل محتوای جهت‌دار برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و مصاحبه‌های انجام‌شده استفاده کردیم. از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی برای روش تحلیل محتوای کیفی، با توجه به ماهیت داده‌های موردنیاز برای تحلیل، استفاده کردیم و میزان حجم نمونه را نیز براساس روش اشباع نظری مشخص نمودیم. با توجه به مسئله و هدف این تحقیق، دو گروه از ذی-نفعان را برای مصاحبه براساس دو پارامتر تخصص و تجربه انتخاب کردیم. گروه اول شامل کارشناسان مناطق آزاد به‌طور عموم و منطقه‌ی آزاد ارس به‌طور خاص (برای شناسایی پیوندها و مکانیزم‌های ارتباطی اصولی بین فضاهای تجاری و بازرگانی و اهداف غایی مناطق آزاد) می‌شود که در مجموع با ۲۰ کارشناس مصاحبه کردیم. از این تعداد، ۱۰ کارشناس از دبیرخانه‌ی شورای عالی مناطق آزاد و ویژه‌ی اقتصادی و ۱۰ کارشناس از سازمان منطقه‌ی آزاد تجاری صنعتی ارس در حوزه‌های تخصصی مختلف بوده‌اند. گروه دوم نیز شامل فعالین حوزه‌های تجاری و بازرگانی در نقش‌های کسبه، مدیر مجموعه، صاحبان واحدهای تجاری و بازرگانی و مطلعین دیگر در این خصوص می‌شود که در مجموع ۴۸ نفر را انتخاب و با آن‌ها مصاحبه کردیم. فرآیند روش تحلیل کیفی نیز در ۶ مرحله، شامل تعیین واحد معنی و استخراج اطلاعات، خلاصه‌سازی واحدهای معنی، تخصیص کد به واحدهای معنی خلاصه‌شده، ادغام کدها و ساختن مقوله‌های اصلی و فرعی، استخراج تم اصلی متن و ارائه‌ی مدل نهایی انجام شده است.

۳- نارسایی‌های کارکردی- فضایی

با تحلیل محتوای کیفی مصاحبه‌های انجام‌شده در حوزه‌ی تجارت و بازرگانی، در مجموع ۱۱۱ واحد معنی (پارگراف) در مورد نارسایی‌های کارکردی- فضایی، بعد از تجمیع، تلخیص و نظم دادن، به‌دست آمد^۱. سپس، هریک از پارگراف‌ها را به عباراتی در سطح انتزاع بالاتر تبدیل

۱. به‌دلیل حجیم بودن جدول مربوط به متن کلیه‌ی مصاحبه‌های انجام‌شده و همچنین جدول واحدهای معنی، از آوردن آن‌ها خودداری کردیم.

کردیم و منطبق با هر واحد، کدی را برایش در نظر گرفتیم. در مرحله ی بعد، واحدهای تلخیص شده را براساس کدهای هریک نظم دادیم و اولویت بندی کردیم (جدول ۱).

جدول ۱: واحدهای تلخیص شده و کدهای حوزه ی تجارت و بازرگانی

| ردیف | واحد تلخیص شده | کد |
|------|--|------------|
| ۱ | ارتباط نزدیک بین تجارت خرد و ورود غیرقانونی کالاها به کشور | قاچاق کالا |
| ۲ | قاچاق های خرد و اثرات کاملاً منفی آن در اقتصاد ملی و منطقه ای | قاچاق کالا |
| ۳ | دور شدن تجارت چمدانی از هدف اولیه ی خود و مطرح شدن آن به عنوان ابزاری برای قاچاق | قاچاق کالا |
| ۴ | ارتباط بین سهمیه ی واحدهای تجاری با افزایش یا کاهش قاچاق | قاچاق کالا |
| ۵ | استفاده ی غیرقانونی از پروانه برای قاچاق در فضاهای تجاری | قاچاق کالا |
| ۶ | ورود عمده ی کالاها ی غیرقانونی و ارزان و برهم زدن بازار داخلی | قاچاق کالا |
| ۷ | شکل گیری مافیای قاچاق و رانت زیاد حاصل از آن در بخش تجاری | قاچاق کالا |
| ۸ | بالا بودن میزان ورود غیرقانونی کالا از منطقه به سرزمین اصلی | قاچاق کالا |
| ۹ | ارتباط بین میزان سهمیه ی واحدهای تجاری با افزایش و کاهش قاچاق | قاچاق کالا |
| ۱۰ | وجود قاچاق خرد در منطقه ی آزاد و قاچاق عمده در کشور | قاچاق کالا |
| ۱۱ | تفاوت گمرگی زیاد کالاها بین منطقه ی آزاد و سرزمین اصلی به عنوان محرک قاچاق | قاچاق کالا |
| ۱۲ | منطقه ی آزاد به عنوان تسهیل کننده ی ورود غیرقانونی کالا | قاچاق کالا |
| ۱۳ | وجود مافیای کردها در زمینه ی قاچاق و فساد اداری تسهیل کننده ی آن | قاچاق کالا |
| ۱۴ | فعالیت کردها در زمینه ی ورود غیرقانونی کالاها و اجناس تجاری براساس باندبازی | قاچاق کالا |
| ۱۵ | وجود قاچاق های ریز و درشت در منطقه ی آزاد و فعالیت کردها در این زمینه | قاچاق کالا |
| ۱۶ | محدودیت های ایجاد شده در میزان سهمیه های واحدهای تجاری و ورود کالا، به نفع قاچاق کننده | قاچاق کالا |
| ۱۷ | وجود قاچاق های عمده در گذشته و قاچاق های خرد به صورت دائمی | قاچاق کالا |
| ۱۸ | وجود قاچاق های عمده و سازمان یافته و اثرات بد آن در اقتصاد منطقه | قاچاق کالا |
| ۱۹ | منطقه ی آزاد به عنوان تسهیل کننده ی قاچاق های عمده و سازمان یافته | قاچاق کالا |
| ۲۰ | منطقه ی آزاد به عنوان پلی برای ورود غیرقانونی کالاها به سرزمین اصلی | قاچاق کالا |
| ۲۱ | تفاوت های گمرکی کالاها در منطقه ی آزاد در مقایسه با سرزمین اصلی محرک شکل گیری قاچاق | قاچاق کالا |
| ۲۲ | گسترش فضاهای تجاری برای درآمدزایی و رفع هزینه های زیرساختی و زیربنایی | درآمدزایی |
| ۲۳ | توجه عمده به بخش تجارت خرد به جای تولید در منطقه به دلیل درآمدزایی | درآمدزایی |
| ۲۴ | سرمایه گذاری و ساخت و ساز در بخش تجاری به دلیل سود بیشتر | درآمدزایی |
| ۲۵ | دور شدن واردات و فروش خودرو از اهداف اولیه ی خود | درآمدزایی |
| ۲۶ | افزایش شعاع تردد ماشین ها تا مرکز استان | درآمدزایی |
| ۲۷ | گرایش عموم مردم به استفاده از ماشین های خارجی | درآمدزایی |
| ۲۸ | نبود تمایز بین فعالیت فضاهای تجاری خرد منطقه ی آزاد و سرزمین اصلی | درآمدزایی |
| ۲۹ | افزایش فضاهای تجاری و جذب گردشگران به منظور استفاده از کالاهای خارجی با کیفیت و ارزان | درآمدزایی |
| ۳۰ | گرایش عموم مردم به خرید کالاهای لوکس خارجی | درآمدزایی |
| ۳۱ | وضع قانون اجازه ی ورود ماشین های کارکرده و دریافت جریمه از آن | درآمدزایی |



ادامه جدول ۱: واحدهای تلخیص‌شده و کدهای حوزه‌ی تجارت و بازرگانی

| ردیف | واحد تلخیص‌شده | کد |
|------|--|-----------------|
| ۳۲ | صدور کارت تردد سالیانه‌ی ماشین‌ها در خود منطقه، ابزاری برای جذب مسافر | درآمدزایی |
| ۳۳ | منافع حاصل از فرآیند ترخیص تا تحویل ماشین به مشتری، برای منطقه‌ی آزاد | درآمدزایی |
| ۳۴ | منافع حاصل از تعویض پلاک، تمدید تردد، بیمه و ... برای منطقه | درآمدزایی |
| ۳۵ | سود و درآمد زیاد حاصل از ورود ماشین‌های خارجی به منطقه‌ی آزاد | درآمدزایی |
| ۳۶ | سود و درآمدهای زیاد ناشی از ایجاد بوروکراسی‌های زیاد در ورود ماشین به منطقه | درآمدزایی |
| ۳۷ | افزایش واردات منطقه در مقایسه با صادرات آن | تأکید بر واردات |
| ۳۸ | وفور کالا و جنس در منطقه به‌عنوان عامل اصلی رونق اقتصادی آن | تأکید بر واردات |
| ۳۹ | وابستگی رونق اقتصادی منطقه به ورود جنس و کالا در تجارت خرد | تأکید بر واردات |
| ۴۰ | وابستگی بیش‌ازحد رونق اقتصادی منطقه به واردات کالا و اجناس، به‌ویژه در تجارت خرد | تأکید بر واردات |
| ۴۱ | وابستگی رونق اقتصادی عمده منطقه به ورود جنس و کالا به منطقه | تأکید بر واردات |
| ۴۲ | وابستگی بیش‌ازحد اقتصاد منطقه به واردات کالای همراه مسافر | تأکید بر واردات |
| ۴۳ | اتکای منطقه به واردات کالاها و اجناس تجاری و شکل‌گیری قاچاق | تأکید بر واردات |
| ۴۴ | وجود محدودیت‌های واردات به‌عنوان عامل اصلی عدم رونق منطقه | تأکید بر واردات |
| ۴۵ | محدودیت‌های گمرکی در واردات کالا و اجناس و نزول سهمیه‌ی واحدهای تجاری | تأکید بر واردات |
| ۴۶ | قوانین محدودکننده‌ی ورود ماشین‌های خارجی | تأکید بر واردات |
| ۴۷ | افت رونق اقتصادی منطقه به‌دلیل قوانین محدودکننده‌ی واردات ماشین | تأکید بر واردات |
| ۴۸ | نزولی بودن رونق نمایشگاه‌های خودرو به‌دلیل وضع قوانین محدودکننده‌ی واردات | تأکید بر واردات |
| ۴۹ | محدودیت‌های ایجادشده در ورود انواع ماشین‌های خارجی | تأکید بر واردات |
| ۵۰ | وضع انواع مختلف محدودیت‌ها در مورد ورود انواع ماشین‌های خارجی | تأکید بر واردات |
| ۵۱ | فضاهای تجاری خرد به‌عنوان تأمین‌کننده‌ی نیاز داخل | نگاه به داخل |
| ۵۲ | فضاهای تجارت خرد و تأمین نیازهای داخل سرزمین اصلی | نگاه به داخل |
| ۵۳ | فضاهای تجاری به‌عنوان تأمین‌کننده‌ی نیاز داخل سرزمین اصلی | نگاه به داخل |
| ۵۴ | فضاهای تجاری به‌عنوان پاسخگوی نیاز داخل | نگاه به داخل |
| ۵۵ | استقبال حد‌آکثری عموم مردم شهرهای اطراف از ماشین‌های لوکس واردشده به منطقه | نگاه به داخل |
| ۵۶ | استقبال عموم مردم از ماشین‌های خارجی و افزایش شعاع تردد آن | نگاه به داخل |
| ۵۷ | استقبال حد‌آکثری عموم مردم از ماشین‌های لوکس خارجی | نگاه به داخل |
| ۵۸ | استقبال حد‌آکثری عموم مردم از ماشین‌های لوکس خارجی | نگاه به داخل |
| ۵۹ | کاهش قدرت خرید ناشی از تحریم و کاهش گرایش به خرید ماشین‌های خارجی | نگاه به داخل |
| ۶۰ | گرایش عمده‌ی مردم شهرهای اطراف به خرید ماشین‌های خارجی | نگاه به داخل |
| ۶۱ | کاهش قدرت خرید خریداران ماشین‌های خارجی در زمان تحریم | نگاه به داخل |
| ۶۲ | گرایش عامه‌ی مردم به خرید ماشین‌های خارجی و افزایش شعاع تردد آن | نگاه به داخل |
| ۶۳ | رانت و سوداگری در فضاهای تجاری | رانت و سوداگری |

ادامه جدول ۱: واحدهای تلخیص شده و کدهای حوزه‌ی تجارت و بازرگانی

| ردیف | واحد تلخیص شده | کد |
|------|---|------------------|
| ۶۴ | سوداگری در فضاهای مربوط به فروش و واردات خودرو | رانت و سوداگری |
| ۶۵ | شکل‌گیری فضای رانتی در حوزه‌ی واردات و فروش ماشین‌های خارجی | رانت و سوداگری |
| ۶۶ | شکل‌گیری دلالی در فضاهای تجاری برای قاچاق و رانت‌خواری | رانت و سوداگری |
| ۶۷ | افزایش بی‌رویه‌ی فضاهای تجاری خرد در چارچوب رانت و پولشویی | رانت و سوداگری |
| ۶۸ | محدودیت‌های ایجادشده در راستای حمایت از تولید داخل به نفع مافیا و رانت | رانت و سوداگری |
| ۶۹ | استفاده‌ی ابزاری از پروانه‌ی فضاهای تجاری و راکد بودن فعالیت آن | رانت و سوداگری |
| ۷۰ | شکل‌گیری بی‌برنامه‌ی فضاهای تجاری و رشد سرسام‌آور آن در یک فضای مبتنی بر رانت و سوداگری | رانت و سوداگری |
| ۷۱ | قوانین نادرست پایه‌گذار گسترش بی‌رویه و ناموزون مناطق آزاد | قوانین نادرست |
| ۷۲ | قوانین یکسان و بی‌توجهی به مزیت‌های متفاوت مناطق آزاد | قوانین نادرست |
| ۷۳ | تعمیم قانون همراه مسافر و رشد بی‌رویه‌ی فضاهای تجاری در مناطق آزاد نسل دوم | قوانین نادرست |
| ۷۴ | نبود قوانین یکسان بین مناطق درمورد خودرو و عاملیت فشارهای سیاسی | قوانین نادرست |
| ۷۵ | نبود قوانین یکسان درمورد شعاع تردد ماشین‌های خارجی | قوانین نادرست |
| ۷۶ | یکسان نبودن شعاع تردد ماشین‌های لوکس واردشده به مناطق | قوانین نادرست |
| ۷۷ | وضع قوانین محدودیت‌های مختلف ورود خودرو به منطقه‌ی آزاد از زمان شروع فعالیت | قوانین نادرست |
| ۷۸ | عواید حاصل از تجارت چمدانی برای سرزمین اصلی (نه برای منطقه) | قوانین نادرست |
| ۷۹ | روند نزولی رونق اقتصادی فضاهای تجاری در منطقه | افت رونق اقتصادی |
| ۸۰ | نزولی بودن روند رونق اقتصادی منطقه | افت رونق اقتصادی |
| ۸۱ | افت رونق منطقه‌ی آزاد در راستای حمایت از تولید داخل | افت رونق اقتصادی |
| ۸۲ | افت رونق فضاهای تجاری به دلیل نبودن اجازه برای ورود کالا به منطقه و ورود پایین گردشگران | افت رونق اقتصادی |
| ۸۳ | افت روند فعالیتی نمایشگاه‌ها از زمان شروع فعالیت منطقه | افت رونق اقتصادی |
| ۸۴ | نزولی بودن روند فعالیتی نمایشگاه‌ها و تعطیلی برخی از آن‌ها | افت رونق اقتصادی |
| ۸۵ | افت رونق واردکننده‌ها و فروشنده‌های خودرو به دلیل وضع محدودیت‌های ورود | افت رونق اقتصادی |



ادامه جدول ۱: واحدهای تلخیص‌شده و کدهای حوزه‌ی تجارت و بازرگانی

| ردیف | واحد تلخیص‌شده | کد |
|------|--|------------------------|
| ۸۶ | بوروکراسی شدید در سیستم ورود و خروج کالا در منطقه‌ی آزاد | بوروکراسی اداری |
| ۸۷ | بوروکراسی شدید در ورود و خروج کالاها از گمرک | بوروکراسی اداری |
| ۸۸ | بوروکراسی‌های شدید در ورود و خروج کالا | بوروکراسی اداری |
| ۸۹ | زمانبر بودن ورود و خروج کالا از گمرک و ضررهای حاصل از آن | بوروکراسی اداری |
| ۹۰ | پیچیده‌تر شدن فرآیند ورود و ترخیص ماشین‌ها درمقایسه با قبل | بوروکراسی اداری |
| ۹۱ | فرآیند سخت ترخیص و تحویل ماشین در منطقه‌ی آزاد | بوروکراسی اداری |
| ۹۲ | نبود برنامه برای فضاهای تجاری و بازگشت سود حاصل از آن | عدم بازگشت سود |
| ۹۳ | راکد بودن بخش زیادی از فضاهای تجاری به دلیل زیاد بودن آن | عدم بازگشت سود |
| ۹۴ | بی‌برنامگی مسئولین در راکد شدن فضاهای تجاری خرد | عدم بازگشت سود |
| ۹۵ | نبود برنامه‌ی بلندمدت برای فعالیت پایدار انبوه فضاهای تجاری منطقه | عدم بازگشت سود |
| ۹۶ | باندبازی در صدور مجوزهای فضاهای تجاری و نبود برنامه برای پایداری فعالیت آن‌ها | عدم بازگشت سود |
| ۹۷ | رشد بی‌رویه‌ی فضاهای تجاری با هدف جذب گردشگری و توسعه‌ی انسانی | رشد بی‌رویه‌ی فضاها |
| ۹۸ | فضاهای تجاری خرد به‌عنوان جذابیت مناطق آزاد | رشد بی‌رویه‌ی فضاها |
| ۹۹ | رشد بی‌رویه‌ی فضاهای تجاری و عدم بازگشت سرمایه از آن به‌صورت پایدار | رشد بی‌رویه‌ی فضاها |
| ۱۰۰ | افزایش بی‌رویه‌ی فضاهای تجاری ابزاری برای قاچاق‌های عمده | رشد بی‌رویه‌ی فضاها |
| ۱۰۱ | وجود رانت در فعالیت فضاهای تجاری در قالب خرید و فروش پروانه | خرید و فروش پروانه |
| ۱۰۲ | خرید و فروش و استفاده‌ی ابزاری از پروانه‌ی فضاهای تجاری | خرید و فروش پروانه |
| ۱۰۳ | فضاهای تجاری گسترده به‌عنوان زمینه‌ای برای استفاده‌ی ابزاری از پروانه‌ی آن و ایجاد قاچاق | خرید و فروش پروانه |

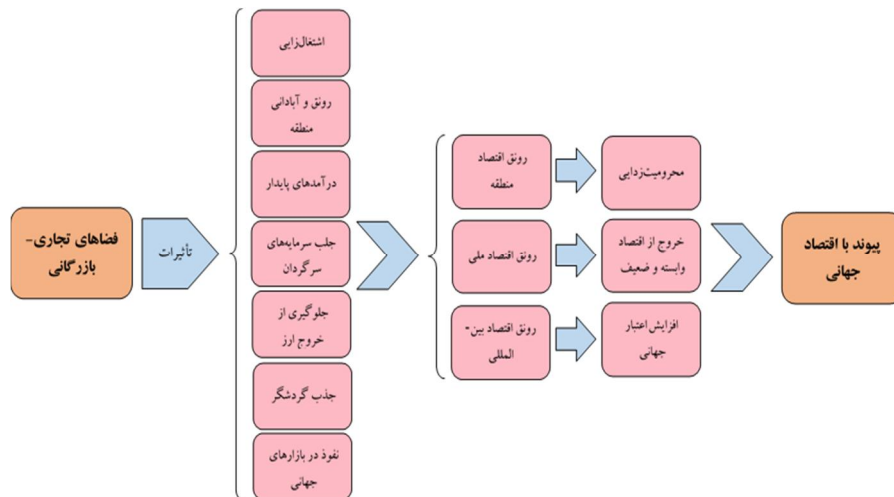
ادامه جدول ۱: واحدهای تلخیص شده و کدهای حوزه‌ی تجارت و بازرگانی

| ردیف | واحد تلخیص شده | کد |
|------|---|------------------|
| ۱۰۴ | فضاهای تجاری محلی برای خروج ارز از کشور | خروج ارز |
| ۱۰۵ | پایین بودن سطح بین‌المللی کالای همراه مسافر در منطقه | خروج ارز |
| ۱۰۶ | افزایش فضاهای تجاری خرد و رونق گردشگری خرید | خروج ارز |
| ۱۰۷ | فصلی بودن رونق اقتصادی منطقه در جذب مسافران داخلی | فصلی بودن رونق |
| ۱۰۸ | فصلی بودن کسب و کار فضاهای تجاری برای مسافران داخل سرزمین | فصلی بودن رونق |
| ۱۰۹ | مافیای کردها در انحصارطلبی بخش عمده‌ی تجارت خرد | انحصارطلبی |
| ۱۱۰ | پایین بودن صادرات در منطقه‌ی آزاد | صادرات پایین |
| ۱۱۱ | محدودیت‌های واردات خودروهایی خارجی به تبعیت از نبود ثبات مدیریتی در منطقه | ضعف ثبات مدیریتی |

جدول بالا نشان می‌دهد که قاچاق کالا به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم در این حوزه بیشترین تکرارپذیری را در بین سایر مفاهیم به خود اختصاص داده و در رتبه‌ی اول قرار گرفته است. این نشان می‌دهد که فضاهای تجاری و بازرگانی در منطقه‌ی آزاد ارس با این مفهوم ارتباط تنگاتنگی دارند. درآمدزایی برای سازمان منطقه‌ی آزاد ارس، تأکید بر واردات، نگاه به داخل و ... در رتبه‌های بعدی قرار دارند. براساس روش فرآیند تحلیل محتوای کیفی، کدهای به‌دست‌آمده به‌عنوان خرده‌مقوله‌ها براساس وجوه مشترک به چهار مقوله‌ی نهایی «اقتصاد ناسالم»، «عدم برون‌گرایی»، «اقتصاد ناپایدار» و «ضعف مدیریتی» تبدیل شدند.

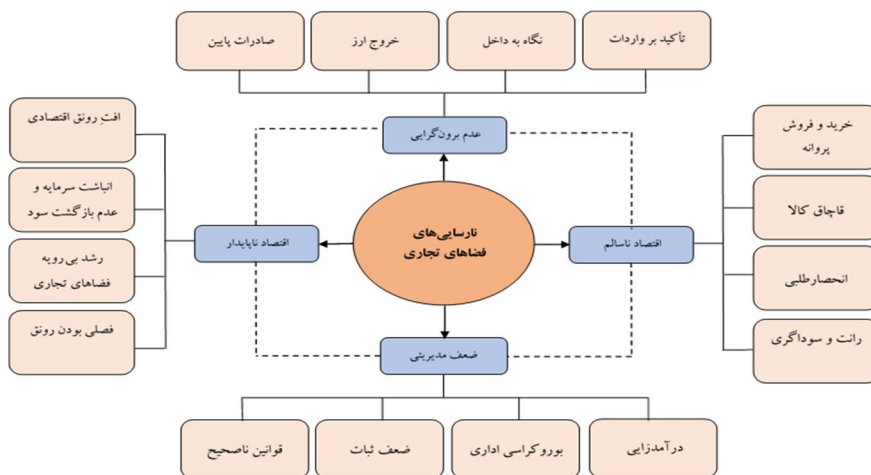
۴- تحلیل نارسایی‌های کارکردی - فضایی

در مجموع و با توجه به مبانی و فلسفه‌ی مناطق آزاد در دنیا و ایران و با اتکا به مصاحبه‌های انجام‌شده با کارشناسان حوزه‌ی مناطق آزاد می‌توانیم بگوییم که ایجاد فضاهای تجاری جدید و رونق فضاهای تجاری موجود در منطقه‌ی آزاد ارس باید در راستای اشتغال‌زایی، رونق و آبادانی منطقه، درآمدهای پایدار، جلب سرمایه‌های سرگردان، جلوگیری از خروج ارز یا ارزآوری، جذب گردشگر و نفوذ در بازارهای جهانی باشد. به این ترتیب، ضمن رونق اقتصادی خود منطقه و محرومیت‌زدایی از آن، به‌عنوان پیشرو برای اقتصاد ملی و بین‌المللی به‌حساب می‌آید تا از این طریق مقدمات خروج کشور از اقتصاد وابسته و ضعیف و افزایش اعتبار جهانی برای آن و پیوند با اقتصاد جهانی فراهم آید (شکل ۳).



شکل ۳: مدل مورد انتظار از کارکرد فضاهای تجاری منطقه‌ای آزاد ارس

طبق تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده، آنچه در واقعیت رخ می‌دهد تا حدودی با مدل یادشده متفاوت است و بخش مهمی از پیامدهای موردانتظار در ایده‌ی اولیه محقق نمی‌شود. همچنین، فضاهای یادشده دچار کژکارکردی‌هایی شده‌اند که به‌نوعی بازتولیدکننده‌ی ویژگی‌های اقتصاد سرمایه‌داری از نوع وابسته هستند (شکل ۴).



شکل ۴: عمده‌ترین نارسایی‌های کارکردی - فضایی فضاهای تجاری (مدل واقعی)

همان طور که می بینیم، فضاهای تجاری و بازرگانی به دلایل مختلف و در جهات مختلف دچار کژکارکردی هایی شده اند که علاوه بر اینکه مطابق با اهداف اولیه یادشده از آنها نیستند، باتوجه به ماهیت نارسایی های به دست آمده، گاهی عکس آن عمل می کنند.

از مهم ترین نارسایی های کارکردی منطقه ی آزاد ارس که منشأ شکل گیری فضای ناسالم بر چرخه ی اقتصادی آن و شکل گیری فضاهای نامتناسب با اهداف متعالی مناطق آزاد است، «سیستم ضعیف مدیریت» آن است. با تحلیل محتوای مصاحبه های انجام شده روشن شد که تغییرات پی درپی مدیریتی و اعمال سلاقی شخصی در سیاست گذاری های منطقه و اعمال سیستم بوروکراتیک شدید به منظور درآمدزایی، به عنوان نارسایی های سیستم مدیریتی محسوب می شوند که پیامدهای نامطلوب کارکردی- فضایی در حوزه های مختلف، به ویژه در حوزه ی تجارت و بازرگانی، داشته اند. یکی از مصاحبه شونده ها در این مورد بیان می کند: «دولت هم در این زمینه هیچ بودجه ای برای ایجاد زیرساخت ها تخصیص نداد؛ بنابراین، مناطق مجبور بودند ابتدا درآمدی کسب کنند و از محل این درآمدها زیرساخت حداقلی ایجاد کنند. این باعث شد که مناطق به سمت فعالیت هایی حرکت کردند که درآمدزایی دارند تا از این طریق زیرساختشان را تکمیل کنند. یکی از این راه ها فروش زمین و واردات است. زمین برای کاربری تجاری سود بیشتری درمقایسه با کاربری های دیگر دارد. واردات کالا هم برای تأمین کالای مجتمع های تجاری که ایجاد می شوند، عوارضی درپی دارد و به عنوان منبع درآمدی برای این مناطق محسوب می شود. همین باعث شده که این مراکز تجاری و بازارچه ها بیشتر از حد نیاز مناطق در راستای درآمدزایی آنها ایجاد شوند». تشدید سیستم بوروکراتیک با افزایش فعالیت های منطقه ی آزاد ارس به منظور کسب درآمد بیشتر، نارضایتی سرمایه گذاران مختلف را درپی داشته و به مرور، امنیت سرمایه گذاری در آن را پایین آورده است.

«اقتصاد ناسالم» به عنوان نارسایی اصلی دیگر در منطقه ی آزاد ارس متشکل از مؤلفه هایی مانند خرید و فروش پروانه، رانت و سوداگری، انحصارطلبی و قاچاق کالا است. براساس تحلیل محتوای مصاحبه های انجام شده، فضاهای تجاری در منطقه ی آزاد کاملاً با این نارسایی ها عجین شده اند و بدیهی است که پیامدهای نامطلوب را نیز در سطح خرد و کلان اقتصادی و فضایی به دنبال دارند. خرید و فروش پروانه یک نارسایی در حوزه ی تجارت خرد منطقه ی آزاد ارس محسوب می شود که به منظور افزایش سهم ورود کالا و اجناس برای ذی نفعان آن برحسب معافیت های مختلف مالیاتی منطقه ی آزاد ارس انجام می شود. این نارسایی یک عامل مهم در افزایش فضاهای تجاری در منطقه ی آزاد ارس به شمار می رود و جنبه ی ابزاری فضا با چنین عملکردی کاملاً آشکار می شود. یکی از مصاحبه شونده گان در این مورد بیان می کند: «اطلاع پیدا



کردیم که پروانه در اینجا خرید و فروش می‌شود. مثلاً کاسبی که در تبریز فعالیت می‌کند، برای اینکه حقوق گمرکی پرداخت نکند، با پروانه‌ی یک نفر دیگر در جلفا به جنس و کالای مورد نیاز برای فروش خود می‌رسید که این کار به صورت قاچاق انجام می‌شد ...». این مسئله آنقدر به صورت آشکار و بدیهی در منطقه‌ی آزاد ارس وجود دارد که یکی از مصاحبه‌شوندگان ضمن تأکید بر آن، ایجاد محدودیت در این خصوص را نوعی بی‌عدالتی در حق خود تلقی می‌کند و چنین می‌گوید: «کالاها و اجناس وارد شده به منطقه‌ی آزاد ارس عمدتاً از ترکیه هستند و قبلاً محدودیتی در این زمینه وجود نداشت؛ ولی الان وجود دارد. قبلاً که محدودیتی وجود نداشت، فرضاً سهمیه‌ی مغازه‌ی من ۵ تن بود و من که یک تریلی جنس می‌زدم می‌شد ۲۰ تن یا ۲۲ تن. در آن شرایط، ۴ تا پروانه مثل مغازه‌ی خودم پیدا می‌کردم و آن‌ها را از گمرک درمی‌آوردم. اما در حال حاضر، برای آن تریلی دست کم باید ۲۰ تا پروانه پیدا کنم ...».

قاچاق کالا و اجناس در مناطق آزاد و مرزی به دو صورت ممکن است اتفاق بیفتد؛ اولی ورود غیرقانونی کالا از مرز بین‌المللی به داخل منطقه‌ی آزاد و دیگری خروج بیش از حد مجاز آن از محدوده‌ی منطقه‌ی آزاد به داخل سرزمین اصلی. بدیهی است که باتوجه به معافیت‌های مختلف ورود کالا از مرز بین‌المللی، حالت دوم نمود بیشتری دارد؛ زیرا با کمترین زحمت، بیشترین سود را برای قاچاق‌کننده به همراه دارد. خرید و فروش پروانه نیز بیشتر به همین منظور انجام می‌شود. مصاحبه‌های انجام شده در این مورد نشان می‌دهند که قاچاق در همه‌ی حوزه‌ها وجود دارد؛ ولی بیشتر آن‌ها در حوزه‌ی تجارت خرد و به‌ویژه قاچاق پوشاک و مواد بهداشتی است. هرچند آمار رسمی درباره‌ی قاچاق وجود ندارد، تحلیل محتوای مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که قاچاق کالا از منطقه‌ی آزاد ارس به سرزمین اصلی به صورت عمده وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که افراد حتی در شرایط بسیار محافظه‌کارانه نیز بر قاچاق کالا از منطقه‌ی آزاد ارس، هرچند به صورت جزئی، تأکید دارند. به‌عنوان مثال، یکی از مسئولان منطقه‌ی آزاد ارس چنین بیان می‌کند: «من فکر نمی‌کنم تجارت خرد به تشدید مصرف در اقتصاد ملی منجر می‌شود. به‌عقیده‌ی بنده، قاچاقی که به‌ویژه در حوزه‌ی لباس از مناطق آزاد وجود دارد، درمقایسه با قاچاق کلی که وارد مملکت شده و تشدید مصرف را به دنبال دارد، چیزی در حدود ۳ است. بنابراین، نمی‌توان از تأثیر این عامل صحبت کرد».

ورود غیرقانونی و بیش از حد مجاز کالا و اجناس از منطقه‌ی آزاد به سرزمین اصلی، پیامدهای گوناگونی دارد. اول این است که قاچاق باعث خرید و فروش پروانه برای کسب سهمیه‌ی بیشتر برای ورود کالا و اجناس از گمرک می‌شود. دومین پیامد این است که به‌طور غیرمستقیم در افزایش بی‌رویه‌ی فضاهای تجاری برای استفاده از پروانه‌ی آن تأثیر دارد. پیامد

سوم این است که خروج بیش از حد آن از منطقه‌ی آزاد و تسری آن در سرزمین اصلی، امتیازات منطقه‌ی آزاد را از بین می‌برد. پیامد چهارم این است که ورود اجناس باکیفیت و ارزان به سرزمین اصلی ضربه‌ی محکمی به اقتصاد ملی وارد می‌کند. پنجمین پیامد این است که رونق اقتصادی منطقه را دچار خدشه می‌کند؛ زیرا نه تنها هیچ عایدی برای اقتصاد منطقه ندارد، از مزیت‌های آن در جهت رونق سایر نقاط استفاده‌ی ابزاری می‌کند. کسبه و افراد مطلع مختلف نیز این موضوع را تأیید می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «اشکال اساسی جلفا این است که سیاست‌گذاری‌ها کاملاً غلط است و بازار دست قاچاقچی است. شما ببینید چقدر مغازه در این راسته تا پارک کوهستان بسته و غیرفعال به نظر می‌رسند؛ همین مغازه‌ها پروانه دارند و قاچاقچی از آن پروانه‌ها برای قاچاق خود استفاده می‌کند ...». همین فضای ایجادشده در حوزه‌ی تجارت خرد باعث می‌شود که زمینه برای رانت‌خواری و انحصارطلبی نیز فراهم شود و عده‌ی زیادی از این وضع در جهت سود و نفع شخصی، بدون توجه به اهداف متعالی مناطق آزاد استفاده کنند. یکی از افراد مطلع محلی می‌گوید: «قبلاً فعالین کُرد بازار بانه و سردشت سیاست دامپینگ را در بازار جلفا راه انداختند و بازار آن را به هم زدند. مثلاً کولر گازی از چین وارد می‌کنند که قیمتش در منطقه‌ی آزاد ارس ۲ میلیون ۴۰۰ هزار تومان و در بانه ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان بود. از اینجا جنس را به صورت آزاد وارد می‌کنند و آن را در بانه به قیمت پایین‌تر از اینجا می‌فروشند؛ یعنی همه بفهمند که بانه ارزان است. در جلفا گران می‌داد و در بانه ارزان.»

«اقتصاد ناپایدار» نارسایی دیگری در حوزه‌ی فضاهای تجاری در منطقه‌ی آزاد ارس است که شامل مؤلفه‌هایی مانند افت رونق اقتصادی منطقه، انباشت سرمایه و عدم بازگشت سود، رشد بی‌رویه‌ی فضاهای تجاری و فصلی بودن رونق است. با تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده در حوزه‌ی تجاری و بازرگانی، روشن شد که سرمایه‌گذاری و رونق در این حوزه روند نزولی دارد. به‌عنوان نمونه، یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «... از سال ۹۲ که من شروع به کسب‌وکار در این بازار کردم، روند کلاً نزولی بوده است ...». درمورد شرکت‌های واردکننده و عرضه‌کننده‌ی خودروهای لوکس و خارجی نیز وضعیت به همین شکل و حتی شدیدتر از آن بوده است. محدودیت‌های کلان و خرد در خصوص فعالیت این شرکت‌ها به‌مرور تشدید و باعث تنزل رونق آن‌ها در منطقه‌ی آزاد ارس شده است. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها با تأکید بر این موضوع، چنین می‌گوید: «فعالیت نمایشگاه‌ها روزبه‌روز تضعیف شده‌اند. ۶ سال پیش، یعنی زمانی که نمایشگاه‌ها شکل گرفتند، در عرض یک هفته ما فقط ۳۰ ماشین فورد فروخته بودیم. هم متقاضی زیاد بود، هم قیمت پایین بود و هم اینکه هیچ محدودیتی در کار نبود. بعدها قانون گذاشتند که خودروهای بالای ۲۵۰۰ سی‌سی اجازه‌ی ورود ندارند، بعدها گفتند که خودروهای



آمریکایی وارد نشوند ...». افت رونق در فضاهای تجاری منطقه‌ی آزاد ارس در کنار سایر آسیب‌های ذکر شده، مجموعاً استفاده‌ی ابزاری از فضا را در جهت سود و نفع شخصی نشان می‌دهد و به‌نوعی، انباشت سرمایه در فضاهایی را در پی داشته است که هیچ نفعی برای اقتصاد منطقه و اقتصاد ملی ندارد. یک فرد مطلع در این مورد چنین می‌گوید: «در این شرایط که جنس وارد نمی‌شود، تکلیف این مغازه‌ها که حدود ۲۰، ۳۰ هزار مغازه در جلفا وجود دارد، معلوم نبود و هر مغازه‌داری ۱۰ مغازه‌ی خالی دارد. اندازه‌ی بودجه‌ی تبریز در اینجا خرج و هزینه شده است. وقتی منطقه‌ی آزاد مساوی با این تجارت است و این همه مغازه احداث شده است، باید برنامه‌ای برای آن وجود داشته باشد».

بنابراین، فضاهایی با کارکرد غیرواقعی و کاذب در حوزه‌ی تجارت و بازرگانی منطقه‌ی آزاد ارس رشد کرده‌اند. شکل‌گیری نارسایی‌های کارکردی - فضایی و منحرف شدن از هدف اولیه، این فضاها را به‌صورت رشدیافته و کاذب نشان می‌دهند. به‌طور مثال، یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه چنین می‌گوید: «در زمان آقای نجفی، در محلی که از قره بورون شروع و بین آن تا پارک کوهستان کشیده شده است و به‌عنوان محلی برای کاربری‌های کلانشهری مانند بانک‌ها، بیمه‌ها، مجتمع‌های تجاری برنمدار و ... است، به‌صورت لجام‌گسیخته مجوز احداث مجتمع‌های تجاری به‌صورت خیلی متراکم را دادند. متأسفانه در جلفا یک‌میلیون و نیم متر مربع برای واحدهای تجاری پروانه صادر شده است؛ درحالی که در دبی که بیش از ۵۰۰ برند معتبر دنیا در آن فعالیت می‌کنند و روزانه به بیش از ۱۰۰ کشور از آنجا پرواز می‌شود و محل تجمع و بازتوزیع کالاهای کشورهای منطقه‌ای است، ۵۰۰ متر مربع مجتمع تجاری وجود دارد. در منطقه‌ی آزاد ارس، مجتمع‌های تجاری اصلاً متناسب با نیازهای منطقه‌ای شکل نگرفته‌اند و بیشتر از آن هستند. نتیجه‌ی آن در حال حاضر، خالی شدن روزبه‌روز مجتمع‌های تجاری است. این همان تشدید مصرفی است که اقتصاد کشورهای در حال توسعه‌ای مثل ایران با آن مواجه است».

«عدم برون‌گرایی» نارسایی دیگری در حوزه‌ی فضاهای تجاری است که از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام‌شده به‌دست آمده است. ورود جنس و کالا به منطقه‌ی آزاد، به‌ویژه در حوزه‌ی تجارت خرد، عامل اصلی رونق سایر حوزه‌ها نیز است. بنابراین، طبق برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده، رونق اقتصادی منطقه در حد زیادی به ورود اجناس در حوزه‌ی تجارت خرد وابسته است؛ به‌طوری که با کوچک‌ترین محدودیت در ورود کالا و اجناس (تحریم و سیاست‌های دولتی در ممنوعیت ورود کالاها)، علاوه‌بر حوزه‌ی تجارت خرد، کل منطقه نیز دچار اشکال اساسی می‌شود. مصداق این موضوع در مصاحبه با

یکی از کاسبان فعال در این حوزه یافت می شود که می گوید: «درحال حاضر، گمرک بسته است و جنس وارد نمی شود و این باعث می شود رکود و کساد بر بازارهای منطقه حاکم شود. در این شرایط، حدود ۸۰ درصد فروش نزول کرده است. گمرک به دلیل حمایت از کالای ایرانی، بسته شده است. مسافر برای خرید به منطقه می آید. وقتی جنسی وارد نمی شود، مسافری نیز وارد نمی شود. مسافر برای خرید ارزان اجناس، وارد منطقه ای آزاد می شود. درحال حاضر، به جرئت می توان گفت که ۹۰ درصد از مسافران به منظور خرید وارد منطقه شده اند». از سوی دیگر، فعالیت این حوزه در منطقه ای آزاد ارس کاملاً در رابطه با سرزمین اصلی معنی می یابد. به عبارت دیگر، بازار جذاب داخل و تقاضای روزافزون آن در این مورد، نگاه برون گرایانه ای این مناطق را با اشکال مواجه می کند. البته، گاهی ادعا می شود که حوزه ای تجارت خرد در منطقه ای آزاد هر چند ارزآوری ندارد، از خروج ارز جلوگیری می کند و از این حیث، نقطه ای مثبتی برای منطقه محسوب می شود؛ درحالی که با این سیاست، هم ارز زیادی از کشور خارج می شود و هم به نوعی مصرف گرایی به عنوان یکی از مؤلفه های اقتصاد وابسته و ضعیف در سطح ملی، تشدید می شود. یکی از مصاحبه شونده گان در این خصوص می گوید: «تقاضا برای اجناس و کالاهای عرضه شده در منطقه ای آزاد ارس عمدتاً داخل سرزمین است. البته خارجی هم وجود دارد؛ ولی درصد آن بسیار پایین است. اجناس و کالاهای خارجی کیفیت بهتری در مقایسه با کالاهای داخلی دارند. کالاهای خارجی هر چند گاهی گران تر از کالاهای تولید داخل هستند، کیفیت بالایی دارند. مفهوم منطقه ای آزاد این است که قیمت کالاها و اجناس برای مشتری ها مناسب باشد».

۵- مکانیزم عمل نارسایی های کارکردی - فضایی

عرضه ای کالاهای مصرفی به واسطه ای قانون کالای همراه مسافر در منطقه عمدتاً در پاسخ به نیاز داخل و سرزمین اصلی است و نقش بین المللی آن کاملاً در حاشیه قرار می گیرد. بنابراین، نمی توانیم به فضاهای تجاری و محل عرضه ای این کالاها و اجناس با کیفیت و ارزان خارجی، نقش ارزآوری یا جلوگیری از خروج ارز را بدهیم. البته، گاهی ادعا می شود که حوزه ای تجارت خرد در منطقه ای آزاد هر چند ارزآوری ندارد، از خروج ارز جلوگیری می کند و از این حیث، نقطه ای مثبتی برای منطقه محسوب می شود؛ درحالی که با این سیاست، هم ارز زیادی از کشور خارج می شود و هم به نوعی مصرف گرایی به عنوان یکی از مؤلفه های اقتصاد وابسته و ضعیف در سطح ملی، تشدید می شود. درمورد عملکرد فضاهای تجاری در منطقه ای آزاد ارس، گفتنی است که به جای اینکه منطقه ای آزاد روزه ای برای خروج از اقتصاد وابسته و ضعیف باشد، محلی برای

۶- نتیجه گیری و ارائه راهکار

نتایج بسیاری از پژوهش های انجام شده در مورد متغیرهای کلیدی مرتبط با نقش ها و اهداف مناطق آزاد در ایران، همچون میزان جذب سرمایه گذاری خارجی، درجهی صنعتی شدن، ایفای نقش صادراتی و نسبت صادرات به واردات، نشان می دهد که مناطق آزاد در کشورهای درحال توسعه ای مثل ایران، روی هم رفته کمتر کارکرد مثبتی در راستای اهداف و نقش های تعیین شده برای آن ها داشته اند. از نگاه این مقاله، بخش عمده ای از گرفتاری های بالا در فرآیند شکل گیری فضاهای اختصاص یافته به این نقش ها و مکانیزم های دخیل در آن ریشه دارد. یکی از این بخش ها که رونق بسیار زیادی دارد، بخش تجارت خرد است که فضاهای گسترده ای را در مناطق آزاد کشور، به ویژه منطقه ای آزاد ارس، به خود اختصاص داده است. با تحلیل فرآیند شکل گیری فضاهای یاد شده به وسیلهی روش های کیفی در منطقه ای آزاد ارس روشن شد که عملکرد فضاهای یاد شده با نارسایی هایی عمده ای همچون ضعف مدیریتی، اقتصاد ناسالم، عدم برون گرایی و اقتصاد ناپایدار همراه بوده و با مدل مطلوب مبتنی بر اهداف و مبانی مناطق آزاد فاصله ی زیادی دارد. به طور کلی، حوزه ی تجارت خرد در منطقه ای آزاد ارس به چند دلیل اهمیت دارد. اولین دلیل این است که نبود شرایط تولید در کل کشور و وجود رانت و سوداگری در حوزه ی تجارت و بازرگانی از یک سو و اتخاذ سیاست ها و اقدامات زودبازدهی سازمان منطقه از سوی دیگر، باعث شده است که سرمایه ها بیشتر به این بخش سوق داده شوند. دلیل دوم این است که به ادعای مسئولان و کارشناسان منطقه ای آزاد ارس، حوزه ی تجارت خرد به منظور توسعه ی گردشگری خرید رونق یافته و هدف از آن جذب گردشگر به منطقه و رونق اقتصادی منطقه است که آن هم کاملاً با نگاهی به داخل و در راستای سرزمین اصلی است و با اهداف برون گرایی منطقه ای آزاد منافات دارد. سومین دلیل این است که رونق سایر حوزه های منطقه ای آزاد ارس در حد بسیار زیادی به ورود کالاها و عرضه ی آن ها در این فضاهای تجاری متکی است که این سیاست نیز به نوعی بازتولیدکننده ی مناسبات اقتصاد سرمایه داری وابسته مانند تشدید مصرف گرایی و شکل گیری اقتصاد ناسالم است که مجموعاً سبب خروج ارز از کشور می شود. در خصوص عملکرد فضاهای تجاری در منطقه ای آزاد ارس، گفتنی است که به جای اینکه منطقه ای آزاد روزنه ای برای خروج از اقتصاد وابسته و ضعیف باشد، محلی برای انتقال و جابه جایی این خصیصه ها است. اقتصاد وارداتی و شکل گیری فضای ناسالم اقتصادی در این حوزه، هم باعث خروج ارز از کشور می شود، هم به اقتصاد منطقه ضربه می زند و هم با رشد بی رویه ی فضاهایی با کارکردهای کاذب، اقتصاد ناپایداری را شکل می دهد که به اقتصاد ملی و بین المللی کمکی نخواهد کرد. به منظور برون رفت منطقه ای آزاد ارس از این وضعیت، باید



به صورت تدریجی، تغییرات در ساختار مشارکت و اجرا با حفظ رویکرد فعلی (تمرکز بر کارکردهای متنوع و به‌ویژه نقش محوری تجارت خرد در رونق اقتصادی منطقه) را در دستور کار قرار گیرد. کاربرست مربوط به این تغییرات کلی در حوزه‌ی تجارت را در سه طیف اجتناب، جبران و تعدیل، البته با اتکا به یافته‌های تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، ارائه می‌کنیم (جدول ۲).

جدول ۲: کاربرست اجتناب، تعدیل و جبران در حوزه‌ی تجارت منطقه‌ی آزاد ارس

| اجتناب | تعدیل | جبران |
|--|---|--|
| - | - | - |
| لوگیری از خروج غیرقانونی کالاها و اجناس به صورت سازمان‌یافته و حتی در مقیاس خرد؛ | لاش منطقه برای رفع محدودیت‌های ورود کالا و اجناس به منطقه به‌عنوان اصل اساسی این حوزه؛ | ردش مالی حاصل از عرضه و فروش محصولات در خود منطقه؛ |
| - | - | - |
| لوگیری از خرید و فروش پروانه از سوی افراد سودجو و اعمال سخت‌گیری‌های جدی در این زمینه؛ | عطای سهمیه‌ی ورود کالا و اجناس به واحدهای تجاری در حد و اندازه‌ی واقعی و عملکردی هریک؛ | حوزه‌ی گردشگری، به‌واسطه‌ی فعالیت واقعی واحدهای تجاری؛ |
| - | - | - |
| زبین بردن فساد اداری تسهیل‌کننده‌ی قاچاق کالا و اجناس در منطقه؛ | لاش برای رفع محدودیت‌های ورود اتومبیل‌های لوکس و افزایش شعاع تردد آن‌ها در حد استان؛ | فزایش توانمندی منطقه‌ی آزاد ارس به‌واسطه‌ی فعالیت سرمایه‌گذاران واقعی در این حوزه؛ |
| - | - | - |
| ادر نشدن پروانه برای ایجاد واحدهای تجاری جدید؛ | سهیل سیستم بوروکراتیک فرآیند ورود کالا و اجناس، به‌ویژه اتومبیل‌های خارجی، برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران فعلی و جذب سرمایه‌گذاران جدید؛ | رایش به سرمایه‌گذاری واقعی در حوزه‌ی تجاری و روند بین‌المللی شدن آن در بلندمدت؛ |
| - | - | - |
| لوگیری از شکل‌گیری بازار ناسالم اقتصادی و حمایت از سرمایه‌گذاران واقعی؛ | جازه‌ی ورود کالاها و اجناس باکیفیت و عرضه‌ی آن‌ها در منطقه. | فزایش اعتماد و امنیت سرمایه‌گذاران حوزه‌ی گردشگری و تجارت خرد؛ |
| - | - | - |
| یگیری دقیق رفتارهای مافیایی از سوی صاحبان قدرت و نفوذ در منطقه و برخورد شدید با آن‌ها. | | ارج شدن فضاها‌ی تجاری از حالت کالایی، غیرمولد و ناپایدار بودن. |

نکته قابل‌توجه این است که این کاربرست بر اصول و معیارهای یک منطقه‌ی آزاد در معنای واقعی آن مبتنی نیست؛ بلکه فقط برای خارج شدن از وضعیت بحرانی منطقه است و ممکن است در ادامه، با توانمندی منطقه، زمینه برای شکل‌گیری اصول و معیارهای یک منطقه‌ی آزاد فراهم شود. این تغییرات برای منطقه در کوتاه‌مدت درآمدزایی (ابزار توانمندی منطقه‌ی آزاد ارس) ندارد و ممکن است حتی هزینه‌هایی نیز برای آن در پی داشته باشد. بنابراین، شرایط

دشواری برای منطقه در راستای این تغییرات ایجاد می شود. منطقه ای آزاد از طرفی می خواهد تغییرات ساختاری داشته باشد و از طرف دیگر می خواهد توانمندی لازم برای چنین کاری و نیز حمایت از سرمایه گذاری را کسب کند. در چنین شرایطی، منطقه ای آزاد ارس سیاست ها و اقداماتی را به کار می برد که درآمذایی مقطعی پایدار برایش داشته باشند و با آن ها به برند تبدیل شود تا از محل درآمد آن هزینه های رسیدن به شرایط پایدار را در خود ایجاد کند. با انجام مستمر این اقدامات منطقه به آن حالت آرمانی می رسد. هدف این است که گردش سرمایه به هر طریقی در خود منطقه ای آزاد باشد، نه در جای دیگر. در واقع، وضع یکباره ای محدودیت هایی برای بهتر شدن وضع موجود، ممکن نیست. این کار باید تدریجی انجام شود تا منطقه نیز خود را با آن سازگار کند و جایگزینی برای سیاست های اشتباه خود داشته باشد.

۷- منابع

- اطهری، کمال. (۱۳۸۵). «نظریه ای انتظام؛ تعامل جزء و کل». *اقتصاد سیاسی تحول همه جانبه*. س ۱. ش ۲. صص ۱۴۹-۱۵۷.
- _____ . (۱۳۸۹). «اقتصاد شهری و اقتصاد شهر در ایران». *اقتصاد شهر (بخش ویژه)*. س ۲. ش ۷. صص ۵۶-۶۵.
- ایمانی شاملو، جواد و مجتبی رفیعیان. (۱۳۹۵). «قدرت و بازتعریف نظریه ای برنامه ریزی شهری (با تأکید بر دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا)». *راهبرد*. س ۲۵. ش ۸۰. صص ۲۸۷-۳۱۹.
- ایمانی شاملو، جواد؛ رفیعیان، مجتبی و هاشم داداش پور. (۱۳۹۴). «سوداگری شهری و واگرایی فضایی تحلیل تحولات فضایی کلانشهر تهران مبتنی بر اقتصاد نفت». *ژئوپلیتیک*. س ۱۲. ش ۱. صص ۱۰۴-۱۳۵.
- بهمنی، علیرضا. (۱۳۹۱). *بررسی تأثیر مناطق آزاد بر اقتصاد جهانی (مطالعه ای موردی: مناطق آزاد ایران)*. پایان نامه ای کارشناسی ارشد. پردیس بین المللی دانشگاه گیلان.
- پلامانتر، جان. (۱۳۷۱). *شرح و نقدی بر فلسفه ای اجتماعی و سیاسی هگل*. ترجمه ای حسین بشیریه. چ ۲. تهران: نشر نی.
- پوراحمد، احمد. (۱۳۸۶). *قلمرو و فلسفه ای جغرافیا*. چ ۲. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.



- تقی‌زاده، خدیجه. (۱۳۸۹). «عملکرد مناطق آزاد تجاری- صنعتی کشور در چهار سال اول برنامه‌ریزی چهارم توسعه (دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی)». *مجله‌ی اقتصادی- ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*. ش ۹ و ۱۰. صص ۱۲۳-۱۳۲.
- حاتمی‌نژاد، حسین و ناصح عبدی. (۱۳۸۶). «اقتصاد سیاسی و فضای شهری». *اطلاعات سیاسی اقتصادی*. ش ۲۳۸. صص ۱۹۶-۲۰۵.
- رحیمی، حجت‌اله. (۱۳۹۳). «رویکرد پژوهش در عمل فضایی: تعادل میان‌مقیاسی روابط قدرت، دانش و تصمیم‌گیری در برنامه‌ریزی فضایی راهبردی». *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*. د ۱۹. ش ۱. صص ۵۳-۷۸.
- رفیعیان، مجتبی و سید علی حسین‌پور. (۱۳۹۱). *نظریه، شهر، فضا، مدیریت شهری*. : طحان.
- رنانی، محسن. (۱۳۸۴). *بازار یا نابازار؛ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران*. ج ۲. : انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- زیگفرید، ج. کارستن. (۱۳۷۰). «نظریه‌ی کوانتوم و اقتصاد اجتماعی». *اطلاعات سیاسی- اقتصادی*. ترجمه‌ی کمال اطهری. ش ۵۱ و ۵۲. صص ۹۱-۹۵.
- سوندرز، پیتر. (۱۳۹۱). *نظریه‌ی اجتماعی و مسئله‌ی شهری*. ترجمه‌ی محمود شارع‌پور. تهران: تیسرا.
- شکوئی، حسین. (۱۳۸۴). *اندیشه‌های نو در فلسفه‌ی جغرافیا (فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی)*. ج ۲. چ ۲. : انتشارات گیتاشناسی.
- علیان، مهدی؛ رضویان، محمدتقی؛ اسماعیل‌زاده، حسن؛ فنی، زهره و خدر فرجی‌راد. (۱۳۹۷). «کاربست نظریه‌ی بازی‌ها در تحلیل کنشگران عرصه‌ی مدیریت مناطق کلانشهری». *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*. د ۲۲. ش ۴. صص ۵۳-۸۵.
- فرجی دانا، احمد. (۱۳۸۴). «بازاندیشی اقتصاد توسعه درپرتو نظریه‌ی تنظیم: به‌سوی رویکرد چندرشته‌ای». *تحقیقات اقتصادی*. ش ۷۲. صص ۵۵-۹۲.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*. چ ۲. تهران: نشر نی.
- کاظمیان، غلامرضا. (۱۳۸۳). *تبیین رابطه‌ی ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان‌یابی فضا؛ تلاش برای طراحی مدل (نمونه منطقه‌ی کلانشهری تهران)*. رساله‌ی دکتری رشته‌ی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه تربیت مدرس تهران.

تبیین نارسایی های کارکردی فضایی مناطق... _____ رحمان جهانی دولت آباد و همکار

- کریمی کیا، اسما و محمد مقدم. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل جذب سرمایه گذاری در منطقه‌ی آزاد اروند». *مجله‌ی اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*. ش ۶ و ۷. صص ۵-۲۸.
- کوز، رونالد. (۱۳۸۵). «ساختار نهادی تولید». ترجمه‌ی محمود کاظمیان. *اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه*. س ۱. ش ۲. صص ۶-۱۷.
- گلابی، سیاوش. (۱۳۶۹). *توسعه‌ی منابع انسانی ایران؛ جامعه‌شناسی توسعه‌ی ایران*. تهران: فردوس.
- گوگردچیان، احمد؛ طیبی، کمیل و فاطمه امینی. (۱۳۸۹). «اثر جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر صادرات غیرنفتی در مناطق آزاد تجاری ایران (۸۷-۱۳۷۵)». *سیاست‌گذاری اقتصادی*. س ۲. ش ۳. صص ۲۱-۴۳.
- مشکینی، ابوالفضل؛ نورمحمدی، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و مظفر صرافی. (۱۳۹۳). «الگوی سیاست‌گذاری مداخله‌ی دولت در مدیریت زمین‌شهری ایران (مطالعه‌ی موردی: شهر تهران)». *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*. د ۱۹. ش ۱. صص ۱۸۱-۲۱۰.
- منوچهری، ایوب. (۱۳۹۵). *تبیین بحران فضایی کلانشهر تهران و سناریوهای تمرکززدایی آن*. رساله‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه تهران.
- "Macmillan Dictionary of Modern Economics", Edited. By: David, W. Pearce, third edition, 1986.
- Andrews Skinner, (2009). "The Shaping of Political Economy in The Englishment" *Scottish Journal of Political Economey*, Vol.37, May, P.157.
- Clark, Barry Stewart (2010), *Political Economy: A Comparative Approach*, Translated by Abbas Hatami, Tehran, Kavir Publications.
- Dickenson, P. (1992), "Society and Nature. Towards a green social theory", London: Harvester Wheatsheaf.
- Harvey, David (1978), *Urbanization under Capitalism: a Framework for Analysis*, *International Journal of Urban and Regional Research*, vol. 2, pp. 101-31.
- Kong, Xiangtong (2013). *Chinese Aided Special Economic Zones as a Means for North Korean Reform*. The Ohio State University .



- McLean, Lain (2002), *The Concise Oxford Dictionary of Politics*, Translated by Hamid Ahmadi, Mizan Publications.
- Meng Guang-wen. (2005), "Evolutionary model of free economic zones". *Chinese Geographical Science*, Volume 15, Issue 2, pp 103–112.
- Perbush (1950), "The economic development of Latin- America & its principle Problems, N. Y. U. N.
- Perbush, (1971), "Change & Development: Latin- America Great Task", Report to Inter- American Develop. Bank.
- Peter Groenewegen, " Political Economy", in: *The New Palgrave Dictionary of Economics*, Vol.3,
- Preobrazhenski, (1924), "The New Economic", Oxford, Clarendon press.
- Shah, Semil (2008). *Special Economic Zones in South Asia: Comparative Analysis of Bangladesh, Sri Lanka, and India*. mimeo, Harvard University.
- Timashef, Nicholas S.(1967), *Sociological Theory, Its Nature and Growth*, NewYork: Rondon House, Third Edition.
- Urry, J. (1985). *Social relations, space and time*. In D. Gregory & J. Urry (Eds.), *Social relations and spatial structures* (pp. 20–48). London: Macmillan
- Yeung, Yue-man; Lee, Joanna; and Kee, Gordon (2009). *China's Special Economic Zones at 30 "Eurasian geography and economics"*. (50) 2: 222-240.